


## The rights of the person being monitored in the Indian legal system with a look at Iranian law

Amir Hamzeh Salarzaei<sup>1</sup>, Maziar Khademi <sup>2</sup>

### Abstract

**Background and purpose:** The concept of "under surveillance" and the rights of the individual in this situation are associated with the police. Considering the development of India's criminal justice system in recent years and the extensive and anti-corruption reforms regarding the functioning of police authorities in promoting and protecting the rights of defendants, by examining the laws and rulings of the courts in both text and procedure, in this article The individual was monitored at the time in order to identify this concept in Iranian law in order to use the experience of India to achieve more protection of the rights of the accused and to improve the Iranian penal system.

**Method:** The present article has been interpreted by descriptive-analytical method and relying on judicial judgment.

**Findings and Results:** The present article seeks to answer the question of how the identification and guarantee of the rights of the supervised person has been in the Indian penal system and what has been the performance of the judicial system of this country? The findings of the study are that the rights of the accused have been properly identified in the criminal and constitutional laws of this country and the judiciary in India relies on rulings based on a broad interpretation of the law and in favor of the accused, gaps caused by violations and In short, it has abolished the law and thus protected the rights of the accused under supervision, which is superior to Iran in terms of guaranteeing the implementation of the violation of the rights of the accused.

**Keywords:** Preliminary Investigation, Accused Rights, Supervised, Indian Criminal Law

\*Citation(APA): khademi, M., & salarzaei, A. (2023). The rights of the person being monitored in the Indian legal system with a look at Iranian law. *International Legal Research*, 15(58), 139 -159  
[https://alr.ctb.iau.ir/article\\_699433.html](https://alr.ctb.iau.ir/article_699433.html)

1. Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Islamic Law and Education, Zahedan University, Zahedan, Iran. [amir\\_hsalar@theo.usb.ac.ir](mailto:amir_hsalar@theo.usb.ac.ir)  
2. Investigator of the Public and Revolutionary Prosecutor's Office and PhD student in Public Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. [maziarkhademii@gmail.com](mailto:maziarkhademii@gmail.com)

## حقوق فرد تحت نظر در نظام حقوقی هند با نگاهی به حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

امیرحمزه سالارزائی<sup>۱</sup>، مازیار خادمی<sup>۲</sup> ✉

### چکیده

**زمینه و هدف:** مفهوم "تحت نظر" و حقوق فردی که در این شرایط قرار می‌گیرد، در ارتباط وی با پلیس است که تداومی می‌گردد. در این مقاله، با عنایت به توسعه نظام حقوق کیفری هند در سالیان اخیر و اصلاحات گسترده و ضد فساد در مورد کارکرد مقامات پلیس از باب ارتقا و صیانت از حقوق متهمین، با بررسی قوانین و آرای دادگاه‌ها توامان در دو باب نص و رویه، حقوق فرد در زمان تحت نظر مورد واکاوی قرار گرفت که با توجه به شناسایی این مفهوم در حقوق ایران برانیم تا با استفاده از تجربه هند به صیانت هر چه بیشتر از حقوق متهم و بهبود نظام کیفری ایران دست یابیم.

**روش:** نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر ارای قضایی تقریر یافته است

**یافته‌ها و نتایج:** مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که شناسایی و تضمین حقوق فرد تحت نظر در نظام کیفری هند چگونه بوده است و نظام قضائی این کشور چه عملکردی داشته است؟ یافته‌های پژوهش این می‌باشد که حق‌های متهم تحت نظر به طرز مناسبی در قوانین جزایی و اساسی این کشور شناسایی شده است و قوه قضاییه در هند با تکیه بر احکام مبتنی بر تفسیر موسع از قوانین و به نفع متهم، خلاهای ناشی از نقض و اجمال قوانین را برطرف و بدین طریق از حقوق متهم تحت نظر صیانت نموده است که در زمینه ضمانت اجرا نقض حقوق متهم نسبت به ایران و اسناد بین‌المللی دارای برتری است.

**واژگان کلیدی:** تحقیقات مقدماتی، حقوق متهم، تحت نظر، حقوق کیفری هند

\*استناددهی (APA): خادمی، مازیار، سالارزائی، امیرحمزه. (۱۴۰۱). حقوق فرد تحت نظر در نظام حقوقی هند با نگاهی به

حقوق ایران. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۵(۵۸)، ۱۵۹-۱۳۹

[https://alr.ctb.iau.ir/article\\_699433.html](https://alr.ctb.iau.ir/article_699433.html)

۱. استاد گروه فقه و حقوق اسلامی دانشکده حقوق و معارف اسلامی دانشگاه زاهدان، زاهدان، ایران.

۲. باز پرس دادرسی عمومی و انقلاب و دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسدول)

maziyarkhademii@gmail.com

## مقدمه

دلیل تلقی یک عمل تحت عنوان جرم، آسیبست که در پی ارتکاب آن ایجاد می‌گردد. (Sen, 1993: 14) بنابراین جامعه اقداماتی برای منع آن اتخاذ می‌کند که شامل بازداشت فرد، محاکمه کردن وی و سپس مجازات ویژه برای هر جرم است. از این رو نخستین گام در راستای بررسی اتهام فرد، تحت نظر قراردادن وی است. تحت نظر را به عنوان محدود کردن آزادی فرد به منظور اطاعت اجباری از حکم دادگاه یا منع ارتکاب جرم یا تضمین این امر شرح می‌دهند تا ازین طریق فرد متهم یا مظنون به جرم در مورد عمل خویش پاسخگو باشد (Hayat, 1999: 49). در برخی کشورها تحت نظر گرفتن در راستای جرایم مشهود صورت می‌پذیرد که بدون دستور مقام قضایی به وقوع می‌پیوندد و پس از ۲۴ ساعت فرد مورد نظر در اختیار مقام قضایی قرار می‌گیرد.

مقابله با جرم از طریق مذکور به منظور حمایت از اعضاء جامعه، یک روی سکه است و حمایت از حقوق فرد متهم، موضوعیست دیگر که نمی‌توان از آن چشم پوشید. از آزادی‌های بنیادین فرد باید مطابق با فرامین و قواعد حاکم بر قانون اساسی یک کشور و سایر قوانین موضوعه صیانت شود. با این حال، حمایت‌ها نباید آن چنان باشند که اجرای قانون را غیرممکن کنند یا «فراقانونی شدن» پلیس را اجتناب‌ناپذیر سازند (A Symposium on Law and Police Practice, 1958: 1) هر اندازه تشریفات جهت سلب آزادی در نظم حقوق یک کشور بیشتر باشد نشانه ایست از این امر که اصول آزادی افراد بهتر تضمین می‌گردد.

یکی از تأسیسات قانونی که منجر به سلب آزادی از متهمین می‌گردد نگهداری تحت نظر است که بعضاً بازداشت پلیسی نیز خوانده می‌شود (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۰۷). تحت نظر، اختیاری است که به موجب قانون به ضابطین دادگستری اعطا شده تا در صورتی که نیاز باشد در جرایم مشهود، متهم را برای تکمیل تحقیقات و با اطلاع مقام قضایی برای مدت محدود در نزد خود نگه دارند (حیدری، ۱۳۹۴: ۳۱). پلیس معمولاً اولین نهادی است که بزه‌دیده با آن تماس می‌گیرد و در صد آنان است تا از حق ضایع شده خویش به آن نهاد اعلام اعتراض نماید.

با عنایت به توسعه نظام حقوق کیفری هند در سالیان اخیر و اصلاحات گسترده و ضد فساد در مورد کارکرد مقامات پلیس از باب ارتقا و صیانت از حقوق متهمین، هدف پژوهش این است که با بررسی قوانین و آرای دادگاه‌ها و با تأکید بر قانون اساسی این کشور، توامان در دو باب نص و رویه، حقوق فرد در زمان تحت نظر را مورد واکاوی قرار دهیم. با توجه به پیش‌بینی حق مذکور در قوانین کشورمان تحقیق پیرامون موضوع پیش رو می‌تواند مورد استفاده نظام کیفری و دادگاه‌های ایران نیز قرار گیرد. نوشتار حاضر در جهت پاسخ به این سوال برآمده است: شناسایی و تضمین حقوق فرد تحت نظر در نظام کیفری هند چگونه بوده است و کدام یک از دو نظام

حقوقی ایران و هند در این زمینه عملکرد شایسته‌تری داشته‌اند؟ در این زمینه نگاهی به قواعد بین‌المللی نیز داشته‌ایم. در خصوص پیشینه تحقیق در خصوص کشور هند باید گفت تاکنون متنی مستقل و جامع در باب حقوق متهم تحت نظر در حقوق هند به زبان فارسی به نگارش در نیامده است و حتی در میان منابع فارسی که به موضوع جاری پرداخته‌اند نیز نظام هند مورد اشاره واقع نشده است و ازین جهت دارای نوآوریست. متن حاضر در سه باب تدوین یافته است. جایگاه متهم تحت نظر در نظام حقوقی هند (اول)، حق‌های تضمین شده در مرحله تحت نظر (دوم)، و جبران نقض حقوق متهم تحت نظر (سوم). در این میان اما به جایگاه بحث در اسناد بین‌المللی با تاکید بیشتر بر میثاق حقوق مدنی سیاسی نیز اشاره می‌گردد.

### ۱. جایگاه حقوق متهم تحت نظر در نظام کیفری هند

دادگستری کیفری در هند یک نظام هرمی یا سلسله مراتبی است که با دادگاه‌های بدوی آغاز و به دادگاه‌های عالی در ایالات و دیوان عالی در سطح فدرال منتهی می‌گردد. در دادخواهی کیفری از مرحله‌ی بازداشت تا محاکمه، تضمینات و حمایت‌هایی اساسی و قانونی معینی که در بندهای مختلف شناسایی شده‌اند بر فرد بازداشت شده، تحت نظر و ... اعمال می‌شوند. مراحل رسیدگی مشکل از سه جزء متمایز است که هر یک در محیط خاص خود عمل و دارای ارتباطات ویژه خود می‌باشد. این سه جزء را می‌توان به پلیس، دادگاه‌ها و مجازات طبقه‌بندی کرد. (Pandian, 1995: 2)

اولین مقام عمومی که پس از ارتکاب جرم در تماس با مرتکب جرم قرار می‌گیرد، پلیس است. نقش پلیس در مرحله‌ای شروع می‌شود که وی شک معقولی علیه فرد دارد که وی مرتکب جرم شده است و نباید هر ظنی باعث گردد حق آزادی افراد را محدود یا سلب نماید و باید به دلایل معقول به این نتیجه برسد که متهم مرتکب جرم شده است یا در آینده‌ای نزدیک مرتکب جرم می‌گردد. تلاش بسیاری در جهت اصلاح ذهنیت در مورد پلیس و رفع تنش بین پلیس و مردم باید انجام شود به نحوی که پلیس و مردم وابستگی متقابل و نقش‌های تکمیلی خود در اجرای قانون را درک نمایند (Lobo, 1995: 3)

پلیس همان نهاد تحقیق و مسئول اجرای قانون و نظم است و از این رو اختیارات او در حدود تعریف شده توسط قانون متعین می‌شود. همانطور که این موضوع در قضیه‌ی هاراپانا علیه باجانلال بیان شد: «رسیدگی اتهام، موضوعیست که منحصرأ مربوط به آن دسته از ماموران پلیس است که اختیاراتی عام دارند تا آنجایی که صلاحیت تحقیق اتهامات به صورت قانونی مطابق با بندهایی فصل ۱۲ از قانون بکار می‌گیرند»<sup>۱</sup> این امر بدان معناست که پلیس به صورت خودسرانه نمی‌تواند به اقدامی دست بزند و سلب آزادی نماید، واژه‌ی «اقدامات قانونی» بدین خاطر مهم است که باید

1. AIR 1992 Supp (1) SCC 335.

مبتنی بر معیارهای حاکمیت قانون بوده و حقوق فرد مراعات شود. همسو با این مبانی بند اول ماده ۹ میثاق حقوق مدنی - سیاسی بیان داشته است: «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد. از هیچکس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آئین دادرسی مقرر به حکم قانون.» در مذاکرات مربوط به ماده فوق آمده است: اصطلاح "خودسرانه" در این سند به کار گرفته شود تا معنای ناعادلانه، مغایر با اصول دادگستری، کرامت شخص انسان را به ذهن متبادر سازد چنان که کمیته حقوق بشر در خلال رسیدگی به یکی از پرونده‌های طرح شده اعلام داشت که این اصطلاح مفهومی گسترده‌تر از «مغایر با قانون» را در برداشته و شامل عناصری از عدم تناسب، ناعادلانه و غیر منصفانه یا فاقد استنادپذیری و نبود فرآیند دادرسی قانونی می‌باشد. برخی آن را به معنای «توقیف اشخاص» بدون رعایت تشریفات قانونی یا آزادی از بازداشت دانسته‌اند که قربانی به طور نامحدود و نامشخص و بدون اتهام و رعایت تشریفات دادرسی و فرآیند تعقیب جزائی در چنین وضعیتی (توقیف یا حبس) نگه داشته می‌شود. (زارعیان چناری، غلامزاده دهنوی، ۱۳۹۷: ۱۳۰-۱۳۱)

ماده ۲۱ قانون اساسی هند (که بخشی از حقوق بنیادین تضمین شده تحت بخش ۳ از قانون اساسی را شکل می‌دهد) بیان می‌دارد: «که هیچ فردی نباید از آزادی‌های شخصی محروم شود مگر با فرآیندی که در قانون مقرر شده است.» این امر بدین معناست که تحت قانون اساسی، آزادی، حق حیات و مالکیت فرد تنها مطابق با شرایط وضع شده توسط قانونگذار قابل سلب و محدودیت است. با این حال این بند از قانون اساسی که به شکل آزادی منفی بیان شده است و از این رو چشم‌انداز گسترده‌تری برای تفسیر در حمایت از حقوق بشر ارائه می‌کند، شرایطی را مهیا نمی‌کند که تحت آن‌ها حق آزادی زندگی و آزادی فرد را از طریق دخالت دولت بتوان تضمین نمود. بدین منظور، ارجاع به دیگر قوانین کیفری ضروریست. (Swamy, 1995: 38-39)

فصل ۵ از قانون آئین دادرسی کیفری، فرآیندی قانونی برای بازداشت و توقیف افراد توسط پلیس را بیان می‌کند. شرایط حاکم بر اجرای مقررات حاکم بر مرحله تحت نظر توسط ماموران پلیس، رئیس دادگاه و شهروندان در بخش‌های ۴۴-۴۱ ذکر شده‌اند که عدم رعایت این موارد می‌تواند بی‌اعتباری تحقیقات یا حتی توقیف غیرقانونی و پیرو آن مسئولیت کیفری پلیس را در پی داشته باشد. مطابق قانون مذکور حقوق مشخصی برای فرد متهم به رسمیت شناخته شده است که در زیر مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. قابل ذکر است که چگونگی اقدامات ضابطان در خصوص تحت نظر قرار دادن متهمان در بند یک ماده میثاق حقوق مدنی و سیاسی مورد تاکید واقع شده است.<sup>۱</sup>

۱. هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد. از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آئین دادرسی مقرر به حکم قانون.



## ۲. حق‌های تضمین شده متهم در مرحله تحت نظر

در این قسمت به گستره حقوقی که متهم تحت نظر در قوانین موضوعه داراست به همراه برخی از آرای‌هایی که توسط دادگاه‌ها صادر شده است خواهیم پرداخت.

### ۲-۱ حق اطلاع یافتن در مورد دلایل تحت نظر

اعلام رسمی اعمال مجرمانه و اطلاع از علل دستگیری، از جمله حقوق دفاعی متهم محسوب گشته و پیش شرط ضروری هرگونه دفاع می‌باشد. بدین دلیل که اولاً امکان رد اتهامات وارد بر متهم را از سوی او فراهم می‌آورد و وی می‌تواند به رد اتهامات بپردازد و دلایلی در جهت دفاع از خود ارائه کند. ثانیاً از این لحظه است که فرد تحت تعقیب مشمول عنوان «متهم» می‌گردد و می‌تواند از سایر حقوق مربوط به این عنوان از جمله حق سکوت، حق استفاده از وکیل و ... برخوردار شود (حیدری، ۱۳۹۴: ۳۴)

حق متهم به اطلاع از ماهیت اتهام امروزه به یکی از حقوق مسلم و انکارپذیر وی تبدیل شده و از چنان اهمیتی برخوردار است که اسناد بین‌المللی در بند دو ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی تصریح شده است: «هرکس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه‌ای دائر بر گونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود دریافت دارد».

ماده (۱) ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری هند الزامات مشخصی در این باره ارائه می‌کند: «هر مامور پلیس که فردی را بدون دستور مقام قضایی، دستگیر می‌کند باید دلایل این اقدام را برای او توضیح دهد». این نکته نیز حائز اهمیت است که حتماً اصل برگ حکم مکتوب را به متهم ارائه نماید. ماده ۷۵ این قانون در مورد سلب آزادی متهم تحت نظر می‌دارد که «مامور پلیس یا فرد دیگری که حکم تحت نظر را اجرا می‌کند باید دلیل آن را به اعلام و حکم را به او ارائه دهد».

همسو با ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی فوق که بیان می‌دارد: «متهم در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود مطلع شود». در جایی دیگر تکلیف دولت‌ها در زمینه لزوم حاضر کردن هر چه سریعتر مظنون نزد مقام قضایی و ممنوع بودن بازداشت وی در طول مدت انجام تحقیقات مقدماتی تصریح و پیشنهاد می‌شود تا جایی که ممکن است از اقدامات جایگزین بازداشت موقت استفاده شود. به همین دلیل است که مقام قضایی باید هنگام بازداشت متهم، به تفصیل دلیل خود را مبنی بر اینکه چرا قرارها جایگزین کافی برای در اختیار نگهداشتن متهم نیستند و بازداشت تنها راه ممکن به نظر می‌رسد در قرار صادره قید کند (آشوری، ۱۳۸۸، ۱۹۹)

حق اطلاع از دلایل تحت نظر به ویژه در ماده (۱) ۲۲ قانون اساسی هند اینگونه شناسایی می‌شود: «هر فردی که تحت نظر قرار می‌گیرد باید از این امر مطلع شود. همچنین حق مشاوره و



دفاع توسط وکیل مورد انتخاب او نباید منع گردد.<sup>۱</sup> پلیس نه تنها باید زمینه‌ها و دلایل تحت نظر را بیان کند بلکه باید آن را به صورتی عنوان کند که توسط فرد تحت نظر قابل درک باشد و حداکثر امکان از او در مقابل ارائه حقوق به رسمیت شناخته شده وی به صورت مکتوب، رسید دریافت نمایند. این امر در قضیه حرکیان علیه ایالت مآهاراشترا نیز پیش‌بینی شد در غیر این صورت مطابق با مقررات قانون اساسی نخواهد بود.<sup>۱</sup> در قضیه تاراپادا دی علیه ایالت W.D، توسط دادگاه عالی بیان شده: «که عبارت «در اسرع وقت» در ماده (۱) ۲۲ به معنای زودترین زمان معقول در شرایط قضیه بوده است با این حال واژه «فوراً» در بخش (۱) ۵۰ از این ماده وظیفه صریح‌تری بر مامور پلیس برای اجرای مقررات حاکم بر فرد تحت نظر وضع می‌کند و به معنای «آنی» است.<sup>۲</sup>»

ماده ۵۰ از قانون آئین دادرسی کیفری هند بیان می‌دارد «مامور پلیسی که فرد را تحت نظر قرار می‌دهد متعهد به بیان تمام دلایل این امر است». دادگاه عالی الله اباد پیامد عدم بیان دلایل بازداشت در قضیه اودایابهان شوکلا علیه ایالت اتار پرادش را در یکی از آرای خویش بیان نمود. با این حال دادگاه عنوان داشت که ذکر یکی از دلایل تحت نظر کفایت و این امر کفایت می‌کند.<sup>۳</sup> اما اینکه صرفاً تنها یک دلیل به فرد تحت نظر بیان شود مغایر به اصول دادرسی منصفانه و حقوق متهم است. بندهای قانون در ارتباط با اطلاع‌دهی دلایل تحت نظر به فرد که در مواد ۵۰، ۵۵ و ۷۵ قرار دارند در مورد تحت نظر انجام شده توسط رئیس دادگاه پیش‌بینی نشده است. اما این نقص قانونی توسط بند ماده (۱) ۲۲ قانون اساسی رفع می‌شود که حتی رئیس دادگاه را به بیان دلایل تحت نظر ملزم می‌سازد.

مقررات مشابه در حقوق ایران را می‌توان در اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مشاهده نمود که رعایت آن را به مقامات قضایی و ضابطین دادگستری تکلیف نموده است که در صورتی که در جرایم مشهود نگهداری متهم را برای تکمیل تحقیقات ضروری بدانند، بلافاصله موضوع و دلیل اتهام را کتباً به وی بلاغ و تفهیم نمایند. هر چند استفاده از عبارات "بلافاصله" و "کتبی" به تضمین هر چه بیشتر حقوق متهم می‌انجامد اما در باب نحوه بیان دلایل، برخلاف نظام حقوقی هند مقرراتی پیش‌بینی نشده است و شایسته بود، که قانونگذار مقرراتی در باب الزام ماموران به استفاده از الفاظ قابل فهم را به صراحت پیش‌بینی می‌نمود. همچنین علیرغم اینکه قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، ضمانت اجرای تخلف از قواعد حاکم از سوی ضابطین دادگستری را در ماده ۶۳ این قانون پیش‌بینی کرده، اما تخلف از حق متهم به تفهیم اتهام از سوی ضابطین را در زمره حقوق واجد ضمانت اجرا قرار نداده است. این در حالیست که

1. AIR 1962 SC 911, 914.  
2. AIR 1951 SC 174.  
3. AIR 1999 Cri.LJ 274.

نقض این حق از سوی مقامات قضایی تخلف انتظامی است. (حیدری، ۱۳۹۴: ۳۶) به علاوه قانونگذار دو کشور هند و ایران در خصوص دلیلی که با نقض این حق، تحصیل می‌شوند اظهار نظر نکرده است در صورتی که چنین دلیلی باید نامشروع تلقی شده و از عداد دلایل کیفری خارج گردند.

## ۲-۲ حق ملاقات با بستگان

حقوق زندانی مساوی با حقوق خانواده او هم هست، به این معنا که تمامی تضمینات حقوقی‌ای که برای افراد زندانی یا بازداشت شده در نظر گرفته می‌شود، دو جنبه دارد و خانواده متهمان را نیز از ثمرات قانونی خود بهره‌مند می‌کند. به عنوان مثال، حق متهم به تفهیم اتهام در اسرع وقت، خانواده او را از چرایی دستگیری مطلع می‌کند و حق زندانی برای داشتن ارتباط با دنیای خارج، خانواده را از اضطراب و رنج روانی ناشی از سردرگمی و اطلاع نداشتن از وضع متهم رها خواهد کرد. در اسناد بین‌المللی در مورد حق متهم بر آگاه کردن و ملاقات با آشنایان در دوران تحت نظر ساکت است. در حقوق هند بیان شده است که به منظور اینکه بازداشت پس از توقیف فرد با حکم ماده ۲۱ قانون اساسی از لحاظ عدالت و عقلانیت مطابقت کند، ضروری است که حکم تحت نظر فوراً به اعضاء خانواده و ترجیحاً به والدین، کودک یا همسر وی به صورت مکتوب اطلاع داده شود. همچنین اطلاعاتی در مورد محل تحت نظر شامل محلی که فرد به آنجا منتقل شده است، باید ارائه شود. ضروری است که با احترام و مطابق با هنجارهای رفتاری مطابق با حقوق شهروندی با فرد تحت نظر رفتار شود.<sup>۱</sup> ایجاد مانع از سوی ماموران در راستای اعمال این حق از سوی فرد تحت نظر می‌تواند، تخلف یا مجازات‌های قانونی را در پی داشته باشد. این حق را قانونگذار در خصوص ارتباط تلفنی برای متهم مقرر نموده است که می‌تواند حقوق وی را به محاق برد، خصوصاً در زمانی که متهم در شهری که برای مسافرت یا کار اداری یا مأموریت می‌رود نمی‌تواند به سهولت با خانواده ملاقات نماید، بنابراین باید حق تماس تلفنی برای متهم در نظر گرفته شود.

یکی دیگر از مقررات پیش‌بینی شده برای افرادی وجود دارد که ممکن است در مورد حقوق خود در رابطه با آزادی بر مبنای وثیقه اطلاع نداشته باشند که این امر از طریق بخش (۲) ۵۹ بیان شده است: «زمانی که مامور پلیس فردی را بدون حکم، تحت نظر قرار می‌دهد، باید به او اطلاع دهد که می‌تواند با وثیقه آزاد شود و می‌تواند از جانب او فرآیند ضمانت‌نامه را ترتیب دهد. آنگاه در صورت عدم اطلاع می‌تواند تخلف انتظامی برای پلیس را به همراه داشته باشد.

در ایران اما تماس و اطلاع به بستگان در بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مورد اشاره قانونگذار قرار گرفته است. همچنین قانون آیین دادرسی

1. A.K.Roy v. Union of India, 1982 1 SCC 280.

2. Manoj v. State of Madhya Pradesh, 1999 Cr.LJ 2095.



کیفری ۱۳۹۲ نیز در ماده ۵۰ خود صراحتاً این حق را برای متهم تحت نظر پیش‌بینی کرده است. نکته مهم اینکه قانونگذار حکم موارد خاص را هم که به تشخیص ضابطین، ضرورت‌های مربوط به کشف جرم و یا مصلحت در عدم استفاده متهم از این حق است، روشن نموده است. بدین ترتیب که محروم کردن متهم از این حق باید با اخذ دستور از مقام قضایی صورت پذیرد. بر این اساس ضابطین نمی‌توانند به تشخیص خود متهم را از حقیقت محروم سازند، بلکه این امر نیازمند اطلاع و دستور مقام قضایی است. (حیدری، ۱۳۹۴: ۴۸). قانونگذار آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، امکان اطلاع خانواده فرد تحت نظر از وضعیت وی را به نحو دیگری در ماده ۴۹ نیز پیش‌بینی کرده است. در این راستا خانواده این افراد می‌تواند با مراجعه به محل‌های فوق از علت و مکان تحت نظر آگاه گردند. ضمن اینکه تخلف ضابطین از مقررات این ماده مشمول ضمانت اجرای مذکور در ماده ۶۳ قانون خواهد شد. بنابراین در نظام حقوقی هند این حق از اطلاق بیشتری برخوردار است و حتی مقام قضایی، صلاحیت ایجاد محدودیت بر آن را ندارد. اما برخلاف ایران در نظام قواعد نوشته کشور هند، حق تماس تلفنی متهم به رسمیت شناخته نشده است هر چند معنی نیز بر آن وارد نشده است. البته هر دو نظام ضمانت اجرای تخلف از این قواعد را پیش‌بینی نمودند.

### ۲-۳ حق حضور در دادگاه بدون هر گونه تاخیر

در اسناد بین‌المللی حقوق بشری تصریحی در مورد مدت تحت نظر قرار دادن و یا تمدید آن وجود ندارد بلکه در ماده ۳-۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی مقرر شده است «هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می‌شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر کرد و باید در مدت معقولی دادرسی آزاد شود». به نظر می‌رسد مبنای پذیرش این حق، کاستن از اشتباه‌های قضایی و در نتیجه تحدید هر چه بیشتر آثار اقدام خلاف اصل برائت مقام قضایی در بازداشت متهم است. بخش‌های ۵۶ و ۷۶ از قانون آئین دادرسی کیفری حمایت‌های مهمی برای فرد تحت نظر به رسمیت می‌شناسد. بخش ۵۶ بیان می‌کند: «مامور پلیسی که تحت نظر را بدون حکم اجرا می‌کند باید بدون تاخیر و بر مبنای بندهای موجود در مورد وثیقه، فرد را نزد رئیس دادگاهی که صلاحیت لازم را دارد اعزام نماید» (Pillai, 2000: 162) که تأخیر در حضور فرد تحت نظر بدون اجازه مقام قضایی، برای پلیس مجازات بازداشت غیرقانونی را به همراه دارد.

بخش ۷۶ بیان می‌کند: «مامور پلیس یا فرد دیگری که حکم تحت نظر را اجرا می‌کند، باید بدون تاخیر فرد را نزد دادگاه اعزام نماید: مشروط بر اینکه چنین تاخیری از ۲۴ ساعت از زمان ضروری برای عزیمت از محل تحت نظر به دادگاه تخطی نکند». بر مبنای این بندها، فرد متهم باید در اسرع وقت و در عرض ۲۴ ساعت نزد اختیارات قضایی حضور یابد. فرد نباید در هیچ مکان به جز ایستگاه پلیس، تحت نظر باشد. در راستای اعمال معیارهای حاکمیت قانون است که فرد

تحت نظر در مدت مذکور نزد دادگاه اعزام می‌گردد که عدم انجام این امر، حبس فرد را تبدیل به حبس غیرقانونی می‌نماید.

بخش ۵۷ از آئین دادرسی کیفری و ماده (۲) ۲۲ قانون اساسی مقررات تقریباً مشابه‌ای در باب رسیدگی قضایی فرد تحت نظر را عنوان می‌کنند و بیان می‌دارند که هیچ فردی نباید بدون مجازات قانونی، بیش از ۲۴ ساعت تحت نظر باشد. بخش ۵۷ از آئین دادرسی کیفری مقرر کرده است: «هیچ یک از ماموران پلیس نباید فرد را بدون حکم برای مدتی طولانی‌تر از حد معقول و معمول تحت نظر قرار دهند و چنین مدتی در نبود دستور ویژه‌ی رئیس دادگاه تحت بخش ۱۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری نباید از ۲۴ ساعت فراتر رود.» ماده (۲) ۲۲ قانون اساسی مشابه با این ماده است و در راستای صیانت از این حق بیان می‌کند که: «هر فردی که تحت نظر قرار می‌گیرد باید در عرض ۲۴ ساعت نزد رئیس دادگاه اعزام شود و هیچ فردی نباید بیش از این مدت زمان در حبس بماند». بنابراین حضور سریع افراد در نزد مقامات قضایی یکی از حقوق اساسی فرد تحت نظر است و توجه به این امر الزامی است که نگهداری متهم به مدت ۲۴ ساعت در محدوده اختیار نیروی پلیس نمی‌باشد و آنان باید بلافاصله متهم را نزد مقام قضایی حاضر نمایند.

در ایران نیز مقررات مشابه‌ای به چشم می‌خورد. فاصله زمانی بین لحظه دستگیری و معرفی شخص به دادسرا در ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری تعیین شده است که طبق آن ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند. (کوشکی و سهیل مقدم: ۱۳۹۵: ۲۰۷). به موجب مواد ۴۷ و ۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضابطین دادگستری مکلفند حداکثر ظرف یک ساعت پس از اینکه متهم را تحت نظر قرار دادند، مشخصات و علت تحت نظر قرار دادن وی را به هر طریق ممکن به دادسرای محل اعلام نمایند. در مواد مورد اشاره، قانونگذار بر خلاف ماده ۲۴ ق.آ.د.ک. ۱۳۷۸ از بکار بردن واژه «بلافاصله» خودداری کرده و با تعیین مهلت یک ساعته برای اطلاع به مقامات قضایی ابهام موجود در قانون سابق را برطرف نموده است. بدین ترتیب، اگر چه نفس تحت نظر قرار دادن متهمین ابتدائاً در اختیار ضابطین دادگستری است، با این حال اطلاع به مقام قضایی از سوی قانونگذار ضروری دانسته شده است. اهمیت این مسأله به اندازه‌ایست که قانونگذار، به موجب ماده ۴۷ ق.آ.د.ک. ضابطین را مکلف کرده است اگر متهم را در خارج از وقت اداری تحت نظر قرار دادند، حداکثر ظرف یک ساعت مراتب را به دادستان یا قاضی کشیک اعلام کنند و در این موارد دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی نموده و در صورت نیاز، با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم اقدام قانونی به عمل آورد. این تکلیف در راستای اعمال وظیفه نظارتی دادستان بر متهم تحت نظر پیش‌بینی شده است (آشوری و سپهری، ۱۳۹۲: ۹). به نظر می‌رسد، حفظ حقوق متهم تحت نظر و جلوگیری از نادیده گرفتن قانون توسط ضابطین از طریق آگاهی و

نظارت یک مقام قضایی از وضعیت متهم تحت نظر قرار گرفته، پیش‌بینی این ماده قانونی را ایجاب کرده است. بنابراین چنانچه با جویی از متهم حاکی از توجه دلایل اتهام به او باشد وی باید جهت تعیین تکلیف به دادسرا اعزام گردد در غیر این صورت ابا دامه نگهداری تحت نظر، ضابطان مرتکب جرم توقیف غیرقانونی شده و طبق ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی قابل مجازات خواهند بود. همانطور که مشاهده شد قانون موضوعه ایران در این زمینه از صراحت و گستردگی بیشتری برخوردار است.

## ۲-۴ حق دسترسی به وکیل مدافع

حق برخورداری از وکیل، از مهمترین شروط فرآیند دادرسی عادلانه در محاکم داخلی و بین‌المللی می‌باشد که از زمان‌های بسیار دور پدیدار گشته و مقارن با امر قضا و در جریان محاکمه با آن پیوند خورده است (خادمی و عارفی، ۱۳۹۸: ۲). نقش وکیل متهم در تمام مرحله‌های دادرسی از جمله تحقیقات مقدماتی و تحت نظر در نظام عدالت کیفری مهم و تعیین‌کننده است و ضرورت آن بدان معناست که متهم در برابر دادستان در صورت نبود وکیل تنها می‌ماند و دادستان با اشراف کامل به اصول و مقررات حقوقی و با توجه به امکانات قضایی نسبت به متهم در موقعیت برتری قرار می‌گیرد و در چنین شرایطی لازم است وکیل آزادانه از موکل خویش در برابر دادستان که از جامعه صیانت می‌کند، به دفاع بپردازد. مهمترین معیار تضمین حق دفاع متهم، پیش‌بینی حق انتخاب وکیل برای وی در قوانین شکلی (آئین دادرسی کیفری) است (ورورائی و بهرامی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۹) این حق، در اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان، به عنوان یکی از اساسی‌ترین تضمینات حقوق دفاعی متهم پذیرفته شده است به گونه‌ای که یکی از اجزای ذاتی محاکم عادلانه عبارت از برخورداری از حق داشتن وکیل است. (عندلیب، جنت مکان، ۱۴۰۰: ۳۶۳)

اعلامیه جهانی حقوق بشر در بندهای ب و د ماده ۱۰-۳ بر دفاع از متهم و حق داشتن وکیل از نخستین مرحله فرآیند کیفری تأکید کرده است: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لااقل حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت: ..... ب. وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد». داشتن وکیل مدافع و استفاده از معاضدت‌های قضایی حقی اساسی در قوانین و تأکید موردی در اسناد بین‌المللی قرار گرفته است. به طوری که در کمیته منع شکنجه سازمان ملل متحد حضور وکیل مدافع به عنوان هدفی اساسی در کاهش شکنجه اعلام کرده است (مظاهری، ۱۳۸۵: ۵۶)

مطابق با ماده (۱) ۲۲ قانون اساسی هند فردی که تحت نظر قرار گرفته است را نمی‌توان از حق مشاوره با وکیل مورد انتخاب خود منع کرد. در قضیه‌ی حسینارا خاتون بیان شده است: «ایالت

متعهد است بر اساس حکم قانون اساسی به افراد تهدیدست معاضدت حقوقی رایگان ارائه دهد. این تعهد مبتنی بر قانون اساسی نه تنها از زمان آغاز محاکمه به رسمیت می‌شناسد بلکه زمانی که متهم برای اولین بار نزد رئیس دادگاه اعزم می‌شود وجود دارد.<sup>۱</sup> دادگاه عالی در حالی که بر این حق تاکید می‌کند عنوان کرده است که عدم مطابقت با این نیاز و عدم اطلاع‌دهی به متهم در مورد این حق منجر به نقض محاکمه می‌شود<sup>۱</sup> و حتی ممکن است با مجازات‌ها یا تخلفات انتظامی را در پی داشته باشد. حق فرد متهم برای مشاوره با وکیل خود از لحظه‌ی تحت نظر شروع می‌شود.<sup>۲</sup> مشاوره با وکیل ممکن است در حضور مامور پلیس باشد اما نه به نحوی که بتواند گفتگوی میان آن دو را استماع نماید.<sup>۳</sup> در ایران این حق از چنان جایگاهی برخوردار است که در اصل ۳۵ قانون اساسی به آن اشاره شده است و با توجه به اطلاق این اصل نیاز به هیچ تفسیری برای اینکه وکیل باید در هر کدام یک از مراحل حضور داشته باشد، نیست. برای نخستین بار قانون این دادرسی کیفری به صراحت اجازه حضور وکیل شخص تحت نظر را در ماده ۴۸ در مرحله تحقیقات پلیسی پیش‌بینی کرده است. (کوشکی، سهیل مقدم، ۱۳۹۵: ۲۰۶) هر چند قانونگذار، در خصوص میزان مداخله وکیل مدافع، شرایطی از قبیل محدودیت زمانی و ضرورت مراعات محرمانه بودن تحقیقات تعیین کرده است و نیز تنها، وکیل را مجاز دانسته است که در پایان ملاقات، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه نماید. به زعم برخی حقوقدانان عبارت ذکر شده در ماده صرفاً ناظر به ملاقات و مشاوره با وکیل است و نه دفاع وکیل از متهم (خالقی، ۱۳۹۴: ۸۶) نکته قابل تامل اینکه قانونگذار ضمانت اجرایی برای نقض این حق از سوی ضابطین در نظر نگرفته است. در واقع قانونگذار کشورمان تمایلی به اظهار نظر در مورد دلیلی که با نقض این حق حاصل می‌شوند از خود نشان نداده است. این در حالی است که خدش‌های که به لحاظ عدم رعایت این حق و نیز سایر حقوق دفاعی متهم بر اعتبار و صحت فرآیند کشف حقیقت وارد می‌شود، کمتر از مواردی همچون توسل به شکنجه نیست. چه بسا ممانعت از حضور وکیل در هر یک از مراحل دادرسی سرنوشت متهم را تغییر دهد. از آنجا که بیشتر اقرارها در مراحل تحقیقات مقدماتی و به ویژه در بازجویی‌های پلیسی و بدون حضور وکیل اخذ می‌شود، همواره احتمال تعدی به حقوق متهم در این مرحله بیشتر است (فرجیها، ۱۳۸۷: ۱۳۳) نکته دیگر اینکه گرچه به موجب ماده مذکور متهم با شروع تحت نظر می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید، در برخی از جرایم، اختیار مطلق برای برگزیدن وکیل دلخواه خود را ندارد. بدین ترتیب که به موجب تبصره ماده ۴۸ در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آن‌ها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای

1. Hussainara Khatoon (IV) v. Home Secretary, State of Bihar, 1980 SCC (Cri.) 40.  
 2. Llewlyn Evans, Re ILR 50 Bom. 741. Moti Bai v. State, AIR 1954 Raj. 241.  
 3. Sundar Singh v. Emperor, 32 Cri.LJ 339.

رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضاییه باشند، انتخاب می‌نمایند. اسامی مزبور توسط رئیس قوه قضاییه اعلام می‌گردد ضمن انتقاداتی که از سوی حقوقدانان به این تبصره شد که با حقوق دفاعی متهم منافات دارد و حقوق متهم را تضییع می‌کند، به نظر می‌رسد این ماده تا حدودی مخالف با اصل ۳۵ قانون اساسی می‌باشد. چرا که در قانون اساسی طرفین دعوی حق دارند وکیل انتخاب کنند و محدودیتی در انتخاب وکیل در اصل ۳۵ وجود ندارد و افراد در انتخاب وکیل آزاد هستند. لازم به ذکر است که در تبصره یک ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری که به حق برخورداری متهم از وکیل در نزد مقامات قضایی همچون بازپرس و دادیار اختصاص دارد پیش‌بینی شده است که سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است. اینکه این تبصره را بتوان به تحقیقات ضابطین هم تسری داد محل تردید می‌باشد. البته باید دانست که ضابطین مکلفند حق متهم به برخورداری از معاضدت وکیل مدافع در دوران تحت‌نظر را به وی اعلام نمایند و عدم تفهیم این حق آنان را در معرض انفصال از خدمات دولتی موضوع ماده ۶۳ قرار خواهد داد. (حیدری، ۱۳۹۴: ۴۱) همانطور که مشاهده شد در نظام حقوق هند مقررات مربوط به حق داشتن وکیل در مرحله تحت‌نظر از اطلاق و عمومیت بیشتری برخوردار است و فاقد قیود زمانی و موضوعی مشابه قیود مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری ایران می‌باشد و ازین طریق به سطح بالاتری از قواعد صیانت از حقوق متهم دست پیدا نموده است.

### ۵-۲ حق معاینه توسط پزشک

یکی از حقوق دیگر فرد تحت‌نظر این است که پیش از تحت‌نظر قرار گرفتن مورد معاینه قرار گیرد تا از ایجاد برخی محدودیت‌ها و مشکلات احتمالی در آینده جلوگیری شود چرا که ممکن است متهم بیماری زمینه‌ای خاصی داشته باشد که رعایت احتیاط‌های ویژه‌ای در هنگام بازجویی از او را ایجاب نماید (خالقی، ۱۳۹۵، ۸۹). هر چند اسناد بین‌المللی حقوق بشری در مورد این حق بیانی نداشته است اما در قضیه‌ی شیلای بارس علیه ایالت مآهاراشترا، دادگاه عالی هند بیان کرد که رئیس دادگاه باید به فرد بازداشت‌شده اطلاع دهد که این حق را دارد که مطابق با ماده ۵۴ از آیین دادرسی کیفری توسط پزشک معاینه گردد.<sup>۱</sup> دادگاه عالی، رئیس دادگاه را موظف نموده است تا در باب این موضوع فرد تحت‌نظر را مورد سوال قرار دهد که آیا شکایتی از شکنجه شدن یا بدرفتاری در زمان تحت‌نظر توسط پلیس دارد یا خیر؟ این امر در روند اعتباردهی به اظهارات فرد تحت‌نظر نیز موثر می‌گردد و ممکن است باعث شود مقامات قضایی مجدد اقدام به اخذ اظهارات فرد تحت‌نظر نماید.

1. AIR 1983 SCC 96.

در قضیه‌ی بیم سینگ، دادگاه عالی این شیوه را که قاضی بدون حضور فیزیکی فرد تحت نظر در دادگاه، حکم بازداشت وی را تایید کرد، رد نمود.<sup>۱</sup> مشاهده شده‌است که بسیاری از روسای دادگاه‌ها که عضو دادگاه‌های جنایی هستند نگرش بی‌تفاوتی در مورد شکایت‌های شکنجه فیزیکی افراد متهم در طول اعزام متهمین به نزد دادگاه اتخاذ می‌کنند. فشار کار غیرانسانی، درخواست آموزش مناسب، عدم حساسیت‌زایی و احتمالاً ترس از محرومیت از امنیت برخی از دلایل بی‌تفاوتی رئیس دادگاه در حمایت از حقوق فرد متهم هستند (Durai, 1996: 41).

ماده ۵۴ از آئین دادرسی کیفری به مانند ماده ۵۳ از آئین دادرسی کیفری است. چنانچه ماده ۵۳ مدنظر باشد، مامور پلیس می‌تواند فرد تحت‌نظر را ملزم به انجام معاینه پزشکی نماید تا رسیدگی را تسهیل کند در حالی که ماده ۵۴ این حق را به متهم می‌دهد تا خودش درخواست معاینه پزشکی کند تا بتواند بدرستی از خود دفاع و حمایت نماید. فرد بازداشت‌شده حق دارد زمانی که نزد رئیس دادگاه آورده می‌شود یا هرزمانی که تحت توقیف است توسط یک پزشک معاینه شود با این رویکرد که او بتواند ثابت کند که اتهامی که بر او نسبت داده شده توسط او انجام نشده است و او در معرض آسیب فیزیکی بوده است. باید به فرد متهم در مورد حق خود اطلاع داده شود. این بند مهم است زیرا پلیس به اعمال راهبردهای خودسرانه برای اجبار فرد متهم برای اعتراف به جرم، معروف و مشهور است.

در قضیه ارویندر سینگ بگا علیه ایالت U.P بیان شد: «شکنجه‌ی آن‌ها صرفاً به معنای شکنجه فیزیکی نیست بلکه به معنای شکنجه روانی و روان‌شناختی است که منجر به ترس می‌شود که فرد را در مقابل خواسته‌های پلیس، تسلیم می‌کند.<sup>۲</sup> کمیسیون ملی حقوق بشر (NHRC) تحلیلی از مرگ زندانیان در زندان انجام داد و نتیجه‌گیری کرد که اگر معاینه پزشکی مناسبی در زمان پذیرش انجام و با جلسات پیگیری دوره‌ای دنبال شود، جان بسیاری از زندانیان را می‌توان نجات داد. (Sen, 2002: 90)

در ایران اما به موجب ماده ۵۱ قانون آئین دادرسی کیفری، متهم تحت‌نظر یا یکی از بستگان وی می‌توانند درخواست کنند که شخص تحت‌نظر توسط یکی از پزشکان معاینه شود. در این صورت دادستان پزشکی را برای انجام این کار معین می‌نماید و گواهی پزشک باید در پرونده ثبت و ضبط شود. قانونگذار دادرسی کیفری، تخلف از مقررات این ماده را نیز مشمول ضمانت اجرای مقرر در ماده ۶۳ قرار داده است. دو کشور از مقررات کم و بیش مشابهی برخوردارند با این تفاوت که قانونگذار هند با تیزی عمل معاینه توسط پزشک را نه تنها حق متهم بلکه جهت جلوگیری از سواستفاده‌های احتمالی، در برخی از مواقع یک تکلیف و الزامی دانسته است.

1. Bhim Singh v. State of J&K, 1985, 4 SCC 677.

2. Mukesh Kumar v. State (Delhi), 1990 Cri.LJ 1923.



### ۳. ضمانت اجرای ناشی از نقض حق‌های متهم تحت نظر

ضمانت اجرا عبارت است از پاسخ‌ها یا واکنش‌های مختلف قانونی و بین‌المللی در قبال ارتکاب جرم و نابهنجاری اجتماعی که جلوه‌های گوناگونی دارد (زمان زاده بهبهانی و دیگران: ۱۳۹۹: ۷۳). متهمی که هنوز اتهام وی ثابت نشده، بنابر اصل براءت، اصل بر بیگناهی و تبرئه اوست، حال که قانونگذار با پیش‌بینی الزامات ضابطین دادگستری در جهت حفظ حقوق متهم تحت نظر گام‌هایی بردارد بی تردید بدون ضمانت اجرائی لازم فاقد کارآیی می‌باشد و بهترین راه حمایت از حق این است که دولت وسایلی را برانگیزد که از وقوع تجاوز جلوگیری کند. در اسناد بین‌المللی لزوم جبران زیان از قربانیان اشتباهات قضایی مورد تصریح قرار گرفته است؛ از جمله بند ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در این مورد ابراز می‌دارد: «هر کس به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شود، حق جبران خسارت خواهد داشت». بند ۶ ماده ۱۴ میثاق مقرر می‌دارد: «هرگاه حکم محکومیت کیفری کسی دیرتر فسخ شود یا یک امر رخ داده یا امری که دوباره کشف شده است دال بر وقوع اشتباه قضایی باشد و در نهایت مورد بخشش قرار گیرد، شخصی که در نتیجه این محکومیت مجبور به تحمل کیفر شده است سزاوار آن است که زیانش طبق قانون؛ جبران شود مگر اینکه ثابت شود افشا نکردن به موقع، حقیقت پنهان به طور کلی یا جزئی متناسب به خود او بوده است». همچنین بند ۵ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر مقرر کرده است: «هر شخصی که برخلاف ضوابط و مقررات این ماده قربانی بازداشت یا حبس غیرقانونی شود، حق دارد از او جبران زیان شود».

### ۳-۱ ضمانت اجرا در حقوق هند

علیرغم عدم تصریح در قانون اساسی هند برای اعطای جبران به خاطر نقض حق حیات، دادگاه عالی حق جبران در مورد محرومیت غیراساسی حیات یا آزادی شخصی را توسعه داده است. دادگاه بیهار در پرونده رودال شا علیه ایالت بیهار بیان کرده است که: «اگر بخواهیم تمدن در این کشور از بین نرود، ضروری است تا به خودمان یاد دهیم که بپذیریم احترام به حقوق افراد، مبنای دموکراسی است. یک روش برای تضمین این مطابقت با حکم ماده ۲۱ قانون اساسی مجازات نمودن ناقضان آن با پرداخت جبران و غرامت مالی است. حق جبران ناشی از عمل غیرقانونی مبتنی بر ماده ۲۱ قانون اساسی - که حق حیات و آزادی را تضمین می‌کند - تسکینی برای اقدامات غیرقانونی تشکیلاتی است که به نام مصلحت و منفعت عمومی عمل می‌کنند»<sup>۱</sup>. از این رو جبران خسارت ناشی از توقیف غیرقانونی را باید به عنوان یک اصل بپذیریم که نمایانگر احترام یک کشور به اساسی ترین حقوق شهروندانش یعنی آزادی می‌باشد.

1. AIR 1983 SC 1086.

اصل عدم مصونیت دولت در سلب آزادی‌های بنیادین افراد در قضیه شرکت دولتی کرید علیه دولت هند پیش‌بینی شد: «مصونیت دولت تنها محدود به تعهدات در شبه‌جرم است. اصل مصونیت دولت از جبران خسارات ناشی از جرم هیچ جایگاهی در قانونی اساسی ندارد». در قضیه‌ی ایالت A.P علیه کالا راماکریشنا ردی، دادگاه عالی اصل مصونیت دولت را بازبینی و این اصل در حال منسوخ شدن را رد کرد: «این پند که پادشاه هیچ اشتباهی انجام نمی‌دهد یا تاج و تخت به شبه جرم جوابگو نیست، هیچ جایگاهی در نظام حقوقی هند ندارد که در آن قدرت در تاج و تخت نیست بلکه نزد مردمی است که نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند تا دولت را اداره کنند و این دولت باید مطابق با قانون اساسی عمل کند و به مردم به خاطر هرگونه نقض قوانین پاسخگو باشد».<sup>۱</sup> بنابراین در هند دولت مضمون از اقدامات خویش به ویژه در مورد سلب آزادی‌های مشروع افراد نمی‌باشد.

پیامدهای عدم مطابقت با بندهای مرتبط با الزامات حاکم بر مرحله تحت‌نظر شامل موارد زیر است: (Pillai, 2001, 81-83)

- دادرسی از درجه اعتبار ساقط است صرفاً به این دلیل که از بندهای مرتبط با سلب آزادی متهم پیروی نشده است. این سوال که آیا مامور پلیسی که فرد را تحت‌نظر قرار می‌دهند در اختیارات یا فراتر از اختیارات خود در زمان بازداشت عمل کرده است بر این سوال که آیا فرد گناهکار است یا خیر تاثیری ندارد.

- اگر کسی تلاش کند تا فرد را به صورت غیرقانونی تحت‌نظر قرار دهد، فردی که این عمل علیه او انجام می‌شود حق حمایت از خود و اعمال حق دفاع خصوصی مطابق با بند موجود در مواد ۱۰۶-۹۶ آئین رسیدگی کیفری را دارد.

- اگر کارمند دولت که دارای اختیارات تحت‌نظر قرار دادن است آگاهانه این اختیارات را در راستای نقض قانون اعمال کند، بر اساس ماده ۲۲۰ از حقوق کیفری مورد پیگرد قرار می‌گیرد. جدا از این پیگرد ویژه، هر فردی که به صورت غیرقانونی فرد دیگری را تحت‌نظر قرار دهد تحت ماده ۳۴۲ قانون جزای هند قابل مجازات است.

- اگر تحت‌نظر به صورت غیرقانونی انجام گیرد، نوعی از حبس توأم با اشتباه است و فردی که مرتکب چنین عملی شده است خود را در معرض دادخواست برای غرامت در دادگاه مدنی قرار می‌دهد.

در برخی از نظام‌ها صرفاً بازداشت موقت را مبنای جبران خسارت در نظر گرفته‌اند به گونه‌ای که اگر برای متهم قرار بازداشت موقت صورت پذیرد و بعداً مشخص گردد بیگناه است می‌تواند ضرر این امر را جبران نماید. در کشور هند نیز این امر در مواد مختلف مورد اشاره قرار گرفته

1. AIR 1991 SCC 588.

است و قانونگذار به این امر اشراف داشته است که لازمه یک دادرسی عادلانه برای جبران ضرر و زیان توقیف غیرقانونی است.

### ۲-۳ ضمانت اجرا در حقوق ایران

در ایران اما همانطور که بیان شد ضمانت اجرای تخلف از برخی از قواعد تحت نظر قرار دادن ضابطین دادگستری در ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. انفصال از خدمات دولتی که در این ماده بیان شده است در شمار یکی از مجازات‌های کیفری آمده است البته این امر مانع از رسیدگی به اعمال ارتكابی تحت عنوان تخلف در مراجع اداری و سازمانی مربوطه نیست. همچنین با تفسیری موسع در جهت صیانت از حقوق متهمین، در صورت عدم وجود ضمانت اجرا در خصوص نقض برخی از قواعد، در صورتی که عمل مأمور مشمول نقض حقوق اساسی متهم باشد براساس ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی<sup>۱</sup>، قابل تعقیب می‌باشد. اما در باب جبران خسارت مالی و پرداخت غرامت باید به ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره نمود که مطابق این ماده اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی حکم برائت و قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر می‌شود می‌تواند با رعایت ماده ۱۴ این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کند. در توضیح قواعد این ماده باید گفت کسانی حق جبران خسارت براساس این ماده را دارند باید در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی بازداشت شده باشد می‌توان بر این اعتقاد بود که حکم ماده فوق شامل سلب آزادی ناشی از تحت نظر قرار دادن متهم توسط ضابطان دادگستری نیز می‌شود. (خالقی، ۱۳۹۶: ۳۲۱) در این راستا تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری که چند ساعت تحت نظر قرار گرفتن متهم را نیز موجب کاستن یک روز از حبس مقرر در حکم محکومیت او دانسته است گواه بر صحت استدلال فوق می‌باشد. نکته‌ای که باید اضافه کرد اینست که تنها بازداشت شدگانی حق جبران خسارت دارند که پرونده آن‌ها منتهی به صدور حکم برائت یا قرا منع تعقیب گردد و سایر قرارها را شامل نمی‌شود. طریقه جبران خسارت نیز در مواد ۲۵۷-۲۶۱ قانون بالا گفت، بیان شده است. همچنین در صورت ایراد صدمه بدنی و روحی می‌توان مطابق قواعد عمومی و اصول کلی در باب قصاص و دیات علیه مأمورین و مقام دستور دهنده اقامه دعوا نمود.

### نتیجه‌گیری

پلیس معمولاً اولین نهادی است که با بزه‌دیده در ارتباط دارد و اینجاست که مفهوم "تحت نظر" و حقوق فردی که در این شرایط قرار می‌گیرد، تداعی می‌گردد. با عنایت به توسعه

۱. جرم علیه حقوق اساسی ملت

نظام حقوق کیفری هند در سالیان اخیر و اصلاحات گسترده و ضد فساد در مورد کارکرد مقامات پلیس از باب ارتقا و صیانت از حقوق متهمین، با بررسی قوانین و آرای دادگاه‌ها توامان در دو باب نص و رویه، و مقایسه ای اجمالی با حقوق ایران ما را به این نتیجه رهنمون ساخته است که هر چند اسناد بین‌المللی حقوق بشری در مورد حق متهم بر آگاه کردن و ملاقات با آشنایان و معاینه پزشک در دوران تحت نظر ساکت است لیکن حق متهم به اطلاع از ماهیت اتهام و مدت تحت نظر قراردادن متهم و حق جبران خسارات ناشی از دستگیری غیرقانونی را در ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی تصریح شده است و در بندهای ب و د ماده ۳-۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر دفاع از متهم و حق داشتن وکیل از نخستین مرحله فرآیند کیفری تاکید کرده است. در مقابل حق‌های چون اطلاع یافتن در مورد دلایل بازداشت، ملاقات با بستگان، حضور نزد رئیس دادگاه بدون هرگونه تاخیر، بهره‌مندی از وکیل مدافع، معاینه توسط پزشک از جمله تضمیناتی است که در قوانین جزایی و اساسی هند شناسایی شده است. اما عدم ذکر حق امکان اطلاع دادن به خانواده از طریق تلفن در قوانین کیفری این کشور و اینکه در خصوص اعمال فشار روانی، برخلاف شکنجه فیزیکی قانونگذار پیش‌بینی لازم را به عمل نیاورده تا بدینگونه از اعمال اینگونه فشارها که گاه می‌تواند آثار سو بیشتری به جای بگذارد، جلوگیری به عمل آورد از نواقص نظام کیفری هند می‌باشد که این حقوق توسط دادگاه‌ها تا حد زیادی گسترش یافته است و قوه قضاییه در هند با تکیه بر تفسیر موسع از قوانین و به نفع متهم، خلاهای ناشی از نقض و اجمال قوانین را با احکام شایسته برطرف و بدین طریق از حقوق متهم تحت نظر صیانت نموده است. مقایسه نظام کیفری هند با ایران نشان‌دهنده این موضوع است که علیرغم تشابهات شناسایی حقوق متهم در قوانین این دو کشور مانند اطلاع دادن به فرد تحت نظر در خصوص دلایل اتهام به صورت فوری، حق ملاقات با بستگان و معاینه پزشک با درخواست متهم، این نظام حقوقی هند است که در آن، متهم از حقوق به مراتب بالاتر بالاخص در زمینه ضمانت اجرا، نسبت به شخص مشابه خویش در ایران برخوردار است.

### پیشنهادها

۱. شناسایی جبران خسارت ناشی از تخلف از حق متهم به تفهیم اتهام از سوی ضابطین در قوانین جزایی ماهوی به مانند مقامات قضایی با تکیه بر عبارت: « هر کس که بطور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت (زندانی) باشد حق جبران خسارت خواهد داشت».
۲. اظهارنظر در خصوص دلیلی که با نقض حقوق متهم تحت نظر، تحصیل می‌شوند و خروج آن از عداد دلایل کیفری.

۳. حذف قیود زمانی و مکانی وارده بر حق داشتن و کیل دادگستری و اطلاق این حق جهت صیانت هر چه بیشتر از حقوق دفاعی متهم.
۴. شناسایی حق بر معاینه توسط پزشک به عنوان یک تکلیف و الزام جهت جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی و نقض حقوق متهم.
۵. با عنایت به اختصاص امر پرداخت غرامت مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی بازداشت شده باشد، مقرراتی صریح در باب پرداخت غرامت به کسانی که بدون دلیل، تحت نظر ماموران قرار داشتند پیش‌بینی گردد.

## منابع

- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۳). نگهداری تحت نظر، علوم جنایی، مجموعه مقالات، سمت.
- آشوری، محمد (۱۳۸۸). آیین دادرسی کیفری، تهران: سمت
- آشوری، محمد و سپهری، روح الله. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۰ (۶)، ۳-۳۲.
- [https://cld.razavi.ac.ir/article\\_756\\_99c85a419fc6b39c140a971a7f32c50b.pdf](https://cld.razavi.ac.ir/article_756_99c85a419fc6b39c140a971a7f32c50b.pdf)
- حیدری، الهام. (۱۳۹۴). حقوق دفاعی متهم در دوران تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۰ (۷۱)، ۲۷-۵۳.
- <https://jlvviews.ujsas.ac.ir/article-1-614-fa.pdf>
- خادمی، مازیار و عارفی، محمد شعیب. (۱۳۹۸). حق متهم بر دسترسی به وکیل (نگاهی تطبیقی)، تهران، جاودانه: جنگل.
- خالقی، علی. (۱۳۹۶). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ چهارم، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- زارعیان چناری، حسین و غلامزاده دهنوی، جواد. (۱۳۹۷). بررسی قاعده منع بازداشت غیرقانونی و خودسرانه در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حقوق بشر اسلامی، ۷ (۱۵)، ۱۲۷-۱۴۷.
- <http://ensani.ir/file/download/article/1608551580-9840-15-6.pdf>
- زمان زاده بهبهانی، مه‌ری و رهامی، محسن و ناجی زواره، مرتضی. (۱۳۹۹). نقض دادرسی عادلانه و ضمانت اجرا کیفری آن از منظر قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیقات بین‌المللی آزاد، ۱۳ (۴۹)، ۷۱-۹۱.
- [http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_677987\\_729f6e0385a13fdc0d708d4574c8f4dc.pdf](http://alr.iauctb.ac.ir/article_677987_729f6e0385a13fdc0d708d4574c8f4dc.pdf)
- عندلیب، محمد و آقای جنت مکان، حسین. (۱۴۰۰). تحلیل حق حضور وکیل در مرحله محاکمه در حقوق کیفری ایران، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۴ (۵۲)، ۳۵۷-۳۷۵.
- [http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_688163\\_440bd20575036ab6a1d257ed63eb3d5f.pdf](http://alr.iauctb.ac.ir/article_688163_440bd20575036ab6a1d257ed63eb3d5f.pdf)
- مظاهری، امیرمسعود (۱۳۸۵) مفهوم مداخله وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی، دادگستری حقوقی ۵۶، ۲۴۱-۲۵۲.
- [http://www.jlj.ir/article\\_11483\\_66117cdc5c2f3c46e9b7a2585e3c25c5.pdf](http://www.jlj.ir/article_11483_66117cdc5c2f3c46e9b7a2585e3c25c5.pdf)
- ورورائی، اکبر و بهرامی پور، رسول. (۱۳۹۴). الزامات ضابطین دادگستری در رابطه با حفظ حقوق شهروندی در نظام حقوق کیفری ایران، نشریه کارآگاه، ۸ (۳۲)، ۲۴-۳۶.





[http://det.jrl.police.ir/article\\_10682\\_f34c4e712fda58929afc3751db4b7c12.pdf](http://det.jrl.police.ir/article_10682_f34c4e712fda58929afc3751db4b7c12.pdf)

- Durai, A.P, (1996), Human Rights and the role of criminal courts, Cr.LJ , 41(11). 35-66.

<https://rm.coe.int/16806f0ksklkdn'ijs'PIJS'pief9>.

- Hayat, Qaiser, (1999), Human rights and criminal justice system in India: A study of pre-trial detainees. Aligarh Law Journal, 19(30), 30-75.

<https://knowlaw.in/index.php/2021/6564303/27/human-rights-and-the-criminal-justice-system-of-india/>

- Lobo, John, (1995), The winds of change and law of enforcement, Bulletin CBI.

- Maureen, Tracik & Wartzman, Rick, (2002), His crusade is for rights of arrested, Indian Express.

- Pandian S.Ratnavel, (1995), Criminal Justice System in India, Indian Journal of Criminology & Criminalities, 16(36), 1-76.

[https://indiankanoon.org/search/?formInput=mkekfmLKratnavel%20pandian&pagenum=13&\\_cf\\_chl\\_rt\\_tk=CmrSeTfqaL\\_9.npkPmV\\_M88ANWVkugg7Nx4k.BiCRIs-1659694336-0-gaNycGzNCKU](https://indiankanoon.org/search/?formInput=mkekfmLKratnavel%20pandian&pagenum=13&_cf_chl_rt_tk=CmrSeTfqaL_9.npkPmV_M88ANWVkugg7Nx4k.BiCRIs-1659694336-0-gaNycGzNCKU)

- Sen, Sankar, (1993), Crime, society and police. Indian Journal of Criminology and Criminalistics , 14(22), 10-65.

<https://slidetodoc.com/community-policing-shri-sankar-sen-dg-nhrc-investigation/>

- Sen, Sanker, (2000), National Human Rights Commission's Interventio, in Human Rights and Law Enforcement, 90(15), 80-99.

<https://nhrc.nic.in/sites/default/files/AR03-04ENG.pdf>

- A.K.Roy v. Union of India {1982} 1 SCC 280.

- A.P. v. Challa Ramakrishna Reddy (2000) 5 SCC 712

- Abdul Aziz v. Emperor, AIR 1933 Pat 508;

- Ajit Kumar v. State of Assam, 1976 Cr.LJ 1303 (Gau. HC).

- Anand Prasad Ray v. Emperor, 27 Cri LJ 1378;

- Anwar Hussain v. Ajoy Kumar Mukherjee, AIR 1965 SC 1651.

- Appaswamy Mudaliar v. King-Emperor, ILR 47 Mad 442

- Bhim Singh v. State of J&K (1985) 4 SCC 677.

- Corporation v. Union of India, (1991) 4 SCC 584.

- D.K.Basu v. State of West Bengal, (1997) 1 SCC 416.

- Emperor v. Vinayak Damodar Savarkar, ILR 35 Bom 225;

- Harikishan v. State of Maharashtra, AIR 1962 SC 911, 914.

- Kasturi Lai Ralia Ram Jain v. The State of U.P, AIR 1965 SC 1039

- Kumar v. State of t.P, 1994 (4) SCC 260

- Nilabati Bahera v. State of Orissa,(1993) 2 SCC 746.

- Rudal Shah v. State of Bihar, (1983) 2 SCC 96.

- Shukla v. State of Uttar Pradesh, (1999) Cri.LJ 274 (All)
- State of Haryana v. Bhajanla, 1992 Supp (1) SCC 335
- Tarapada De v. State of W.B., AIR 1951 SC 174.